

امنیت شهری در سیاست گذاری معطوف به پیشگیری

مجتبی عطارزاده^۱

دانشیار علوم سیاسی، عضو هیأت علمی گروه دروس عمومی و معارف اسلامی دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

با همهی تغییرات مثبت ناشی از تحولات و رشد علم و فناوری، زیست‌شهری همچنان در محاق آسیب قرار دارد و به دلیل غفلت از عوامل ناشی از تأمین امنیت ذهنی شهروندان، سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته از قبیل مقاومت‌سازی در مقابل حوادث طبیعی و مقابله با امور مشابه در نظام برنامه‌ریزی و شهرسازی، زمینه وقوع جرائم را از بین نبرده است که گزارش سازمان‌های معتبر جهانی نشانگر رشد فزاینده، خشونت، تبهکاری، بزهکاری جوانان، حاشیه‌نشینی و توسعه فقر خود گواهی بر این واقعیت است. رشد سریع جمعیت شهرنشین و در نتیجه گسترش بی‌رویه شهرها، آن‌ها به مراکز ناهمگن جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده‌اند؛ به نحوی که افزایش و تعمیق شکاف‌های اقتصادی-اجتماعی، گسترش فقر و حاشیه‌نشینی، افزایش جرم و جنایت و رشد کم سابقه ناهنجاری‌های اجتماعی از یک‌سو و چالش‌هایی محیطی همچون آلودگی و کمبود منابع آب، آلودگی هوا و... از سوی دیگر، ضرورت سیاست‌گذاری با محوریت پیشگیری به‌منظور تأمین «امنیت شهری» را بیش از پیش عیان ساخته است. بر این مبنای این نوشتار می‌کوشد با بررسی و شناسایی عوامل و زمینه‌های مؤثر در کاهش ایمنی در زیست‌شهری، سیاست‌هایی به‌منظور کاهش زمینه وقوع جرم پیشنهاد دهد. این پژوهش از حیث ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: شهر امن، پیشگیری، تغییرات اجتماعی، بافت شهری.

۱. نویسنده مسئول: 1@gmail.com@mattarzadeh

مقدمه و بیان مسئله

انسان از ابتدای پیدایش تاکنون بر اساس ذات آفرینش و حکم غریزی دنبال توسعه و تکامل بوده است. فراز و فرودهای این مسیر طی تاریخ، همواره دست‌مایه پژوهشگران برای دستیابی به زندگی مطلوب و ایده‌آل بوده است. در میان همه نیازهای بشر، نیاز به امنیت از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی تعریف و جایگاه خود را در رأس نیازهای انسان قرار داده است. امنیت علاوه بر شاخص‌های بیرونی و تعاریف خاص خود، از جنبه درونی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. به دیگر سخن، امنیت بیشتر احساس درونی است تا شاخص‌های بیرونی و "احساس امنیت" فردی و جمعی در بردارنده شاخص‌های امنیت است.

امروزه به دلیل پیشرفت، توسعه و تمدن، امنیت نقش مهم‌تری به خود گرفته و دامنه آن، همه ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و روانی زندگی انسان‌ها را در بر گرفته است. این تحولات گرچه مشکلات بسیاری از زندگی انسان‌ها را نسبت به گذشته بهبود بخشیده است، اما آمارها نشان از کاهش امنیت و افزایش ناامنی دارند. ناامنی‌های پیدا و پنهان، طبیعی و انسانی، در زندگی کودکان، زنان، مردان و حتی سالخورده‌گان با شدت و ضعف، دامن‌گیر تمام جوامع است.

در دنیای کنونی به لحاظ گسترش شهرنشینی و تعاملات ویژه شهروندان با یکدیگر و همچنین از منظر طراحی شهری و معماری، امنیت در شهرها اهمیت خاص پیدا کرده است. شهر به‌عنوان نماد زندگی جمعی در دنیای کنونی، نیازمند نگاه ویژه به مقوله امنیت است. یکی از این عوامل که امروزه دغدغه افکار مدیران شهری است امنیت بخشیدن به سرپناه و محل سکونت اعم از مسکن، محل کار، تفریحگاه و گستره‌های شهری است. تجربه نشان می‌دهد ادامه

رویه موجود راهی به سمت بهبود و امنیت شهرها به دنبال نخواهد داشت. چنانچه شهروندان و متولیان امور شهری با لحاظ نمودن سرمایه انسانی و در نتیجه با چشم اندازی نو نسبت به تعمیق بخشی امنیت برای زندگی شهری اقدام نکنند، باید منتظر بحران‌ها و ناامنی‌های گوناگون بود.

هر انسانی واجد چهار سرمایه اصلی جان (جسمی)، مال (اقتصادی)، ناموس (روانی) و آبرو (اجتماعی) است. اگر جامعه‌ای دنبال امنیت کامل و فراگیر باشد، لازم است از این چهار سرمایه برای تمام انسان‌ها محافظت کند. امروزه نگرانی، ناامنی و اضطراب دائمی در زندگی شهروندان، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های شهروندان و شهروندان محسوب می‌شود، عمق و دامنه ناامنی، چنان گسترش یافته که سلامت جسمی و روحی انسان‌ها را تهدید و جوامع را به‌طور گسترده به تکاپو جهت شناخت بیان ویژگی‌های "شهر امن" وادار نموده است. با همه پیشرفت‌های بشر در عرصه‌های مختلف، هنوز انسان‌ها شاهد شهری نسبتاً امن برای زندگی مطلوب خود نبوده و نیستند. البته مقصود این نیست که ساختمان‌ها مستحکم نشده، زیرساخت‌های شهری مقاوم نشده، کارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جهت ایمنی شهرها انجام نشده و یا انسان‌ها به پیچیده‌ترین محاسبات دست پیدا نکرده‌اند، بلکه حقیقت این است که با همه این تلاش‌ها و پیشرفت‌ها که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت، ابعاد امنیت برای ساکنین شهرها گسترش نیافته و شهروندان هنوز به‌واقع احساس آرامش نمی‌کنند.

گزارش جهانی اسکان بشر که سال ۲۰۰۷ از سوی دفتر اسکان بشر سازمان ملل متحد منتشر شد، بسیاری از تهدیدهای چالش برانگیز ایمنی و امنیت شهرنشینی را در سراسر جهان مورد بررسی قرار

می‌دهد. "بان کی مون" دبیر کل سازمان ملل در این باره اشاره دارد که طی دهه گذشته، جهان شاهد رشد فزاینده تهدیدها علیه ایمنی و امنیت شهرهای بزرگ و کوچک بوده است. پاره‌ای از آن‌ها به صورت رویدادهای فاجعه آمیز رخ داده و برخی مولود فقر و نابرابری با فرآیند گسترش سریع و بی‌نظم شهرنشینی بوده‌اند. در این گزارش آمده است طی پنج سال گذشته ۶٪ ساکنان شهرها در کشورهای توسعه یافته قربانی جنایت شده‌اند. همچنین تأکید شده است که از سال ۱۹۸۰ الی ۲۰۰۰ میزان جرم در جهان ۳۰٪ افزایش یافته است، چنانچه از ۲۳۰۰ به بیش از ۳۰۰۰ مورد جنایت برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر رسیده است. بررسی افکار عمومی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد نیمی از شهروندان در تمامی اوقات یا غالباً، نگران جرم و جنایت در شهرهای خود هستند. در این گزارش آمده بلایای انسان ساز (جنگ، آوارگی و موارد مشابه) در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۶، ده برابر شده که بیشترین آن‌ها در آسیا و آفریقا رخ داده است (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۷).

شرایط جدید جوامع ناشی از رشد شهرنشینی و گزلفشافتی شدن روابط اجتماعی موجب شده که همبستگی‌های اجتماعی، مشارکت‌های مدنی، سرمایه‌های اجتماعی روابط جمعی و... کاهش یابد و حیات جمعی به سمت فردی شدن و تضعیف کارکردهای نهادهای اجتماعی سوق یابد. پر واضح است غفلت از چنین تحولاتی و عدم اهتمام جدی به سیاست‌گذاری معطوف به افزایش ضریب ایمنی در زیست‌شهری، رشد آسیب‌های اجتماعی و بروز جرائم و انحرافات اجتماعی در حد وسیع و گسترده را در پی دارد. اهمیت برنامه‌ریزی و اتخاذ سیاست‌های سازنده وقتی دوچندان می‌گردد که بدانیم کار ویژه‌های

نهادهای درون نظام اجتماعی در حال کم‌رنگ شدن و کاهش بوده است، به گونه‌ای که ابعاد مختلف امنیت با افزایش جرائم در وضعیت بحرانی شدید قرار گرفته است و فرصت‌ها و خلاقیت‌های شهروندان در حال امحاء بوده و این مسائل باعث شده که نگرانی‌های بسیاری در زمینه حیات جمعی جامعه افزایش یابد و ضرورت اتخاذ راه‌کارهای مبتنی بر پیشگیری از وقوع جرم بیش از پیش احساس گردد.

از این رو پیشگیری از جرم از رهگذر سیاست‌گذاری در کانون توجه قرار گرفته تا با طراحی مناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط ساخته شده که منجر به کاهش فرصت‌های مجرمانه، افزایش ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی حاصل گردد. این رهیافت بر این اندیشه مبتنی است که تحت‌تأثیر سیاست‌گذاری معطوف به بهینه‌سازی فرصت‌های ناظر، تعریف مشخص و واضح از قلمرو و ایجاد تصویری مثبت از محیط می‌توان مجرمان را از ارتکاب جرم بازداشت. اقداماتی از قبیل طراحی غیرشطنجی، تعاریف صحیح کاربری‌ها، از بین بردن نقاط کور، ساماندهی محلات و اقدامات مشابه از جمله سیاست‌هایی است که می‌تواند ضریب امنیتی شهر را بالا برد و از میزان وقوع جرم جلوگیری کند. معماران، شهرداری‌ها و سایر نهادهای به‌ظاهر غیرامنیتی نیز با اقداماتی از قبیل تأمین روشنایی، اصلاح معابر، ایجاد تأسیسات خاص، اصلاح بهبود اماکن مخروبه و خالی از سکنه، ساماندهی اماکن پرتراکم و نظایر آن‌ها، می‌توانند گام‌هایی در زمینه برقراری امنیت و پیشگیری از جرم بردارند.

پیشینه، سؤال اصلی و فرضیه پژوهش

نیمز و چمیتز (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «روشی برای سنجش امنیت فضاهای دسترسی عمومی»، به ارائه معیارها و شاخص‌هایی برای سنجش امنیت فضاها

پرداخته‌اند. این معیارها در قالب چهار دسته کلی قوانین، نظارت، طراحی محیطی و دسترسی تعریف شده‌اند. آنان در ادامه به آسیب‌های ناشی از نواقص و نارسایی‌ها در هر یک از معیارهای چهارگانه فوق که به احساس ناامنی در شهروندان می‌انجامد، پرداخته‌اند. - بیلر (۲۰۱۱)، در پایا نامه‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی برای امنیت فضاهای عمومی»، به ارزیابی و سنجش امنیت در فضاهای عمومی شهر برلین پرداخته است. از جمله شاخص‌های مورد بررسی در این پژوهش می‌توان به علائم، مالکیت، استراحتگاه، تنوع مکان‌های نشستن، روشنایی، اغذیه فروشی‌ها، تزئینات بصری و هنری، دسترسی، خرداقلیم، ناحیه تجاری، دوربین‌های امنیتی و غیره اشاره کرد.

- گلی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری»، به سنجش میزان احساس امنیت زنان در پارک آزادی شهر شیراز پرداخته است. از جمله نتایج تحقیق این است که عوامل محیطی مانند کاربری اراضی، تنوع کاربری‌های پیرامون و ساعت‌های فعالیت آن‌ها، با افزایش حس امنیت زنان رابطه‌ای معنادار دارد.

- محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «فضاهای بی‌دفاع شهری و خشونت»، به ارزیابی جرائم در ۱۲ فضای عمومی شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عدم روشنایی، عدم تراکم ساختمانی، وجود نقاط فرورفته یا برآمده، کمبود نور ساختمان‌ها و غیره در بروز انواع جرائم و خشونت‌ها مؤثر هستند.

- یافته‌های پژوهش قاسمی و محمدی (۱۳۹۲) حاکی از آن است که به‌رغم وجود سازوکارهای بیرونی به‌منظور تأمین امنیت شهری، نباید تأثیر عوامل درونی بر امنیت شهروندان سن، جنس، رضایت اجتماعی و

ویژگی‌های شخصیتی را نادیده انگاشت. این‌که با اتخاذ چه روندی در سیاست‌گذاری امنیت شهری می‌توان زمینه‌های ارتکاب جرم را کاهش داد؟ سؤال اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. به‌طور حتم با بی‌توجهی به این زمینه‌ها، امنیت رنگ می‌بازد و بر میزان جرم افزوده می‌شود؛ مردم در کنش‌های اجتماعی محتاطانه عمل می‌کنند و با هر اتفاقی، ترس و دلهره آنان دو چندان می‌شود و در نتیجه احساس ناامنی می‌کنند (دای، ۲۰۰۳: ۳۱۱).

بر اساس آنچه گذشت به نظر می‌رسد غفلت از عوامل ذهنی مؤثر بر ایجاد حس امنیت و آرامش و اهتمام صرف بر عوامل سخت‌افزاری به‌منظور ایمن ساختن فضای شهری، سیاست‌گذاری موفق در نیل به هدف کاهش زمینه‌های جرم در فضاهای شهری را ناکام گذارده است. از این رو و در راستای آزمون فرضیه مذکور، ضرورت دارد عوامل تهدیدگر زندگی امن شهری، به‌منظور اتخاذ سیاست‌های معطوف به کاهش وقوع جرم و ایجاد امنیت در زیست‌شهری، مورد شناسایی قرار گیرند.

مبانی نظری

تهدیدگرهای زیست‌امن شهری

ناامنی در شهرها بسیار پیچیده و دارای ویژگی‌های پیدا و پنهانی است که به‌آسانی نمی‌توان آن‌ها را به‌طور کامل ترسیم و تشریح کرد. آمار بالای بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل، سونامی، آتشفشان و ناامنی‌های اجتماعی یا انسان آورد مانند تروریسم، خشونت، قتل، فساد و فحشا، موادمخدر نشان از گستردگی ناامنی در شهرهاست. ناامنی‌های احتمالی و یا قطعی برای امنیت یک محیط شهری دامنه بسیار زیادی دارد.

البته در عالم واقع ممکن است که در طول حیات یک انسان هیچ‌گونه حادثه‌ای هم اتفاق نیفتد، اما با

تصور اینکه احتمال وقوع بلایای طبیعی وجود دارد، عدم احساس امنیت حتی با سکونت در مقاوم‌ترین ساختمان‌ها، لذت آرامش زندگی را از انسان سلب می‌کند. ضمن این که علاوه بر ناامنی‌های طبیعی، بخش زیادی از ناامنی‌ها در حوزه مسائل اجتماعی، امنیت را از شهرها سلب کرده است. اندیشه رایج در افکار عمومی و مجامع علمی در چشم‌انداز بلایای طبیعی و غیرطبیعی، مقابله با معلول است. این تفکر سبب رویکرد برنامه‌ریزان و طراحان به مقاومت کالبدی گردیده است. در این دیدگاه، فقط محاسبات سازه و ستون و دیوار و سقف مورد توجه قرار دارد. سر منشأ مخاطرات، بلایا و بحران‌ها به‌طور معمول در برداشت اولیه به سه ریشه اصلی تقسیم می‌شوند: طبیعت، انسان و فناوری.

بلایای طبیعی از اصلی‌ترین ناامنی‌های فراگیر در جهان، حقیقتی انکار ناپذیر در عرصه زندگی محسوب شده که انسان‌ها کنترل بسیار کمی بر آن دارند. هر لحظه ممکن است طی چند ثانیه تمام روال طبیعی یک شهر بر اثر یک حادثه به‌طور کامل دچار آسیب شده و امنیت کامل یک شهر برای مدت چند سال دچار دگرگونی و آرامش خود را از دست بدهد. زلزله سیزدهم ژانویه ۲۰۱۰ هائیتی با حدود ۳۰۰۰۰۰ کشته یک نمونه آن است. گرچه شهرنشینی امروز با گذشته به‌طور کامل متفاوت است و تغییرات سریع علم در جهان با سرعتی باور نکردنی پیش می‌رود، اما گویا بلایا و ناامنی نیز با سرعت بیشتری در حال پیشروی است. انواع و اقسام بلاهای طبیعی مختلف، شهرها را احاطه کرده و عملاً پیشرفت علوم در امن کردن شهرها کمتر به نتیجه رسیده است.

در دهه گذشته جهان شاهد بلاهای عظیمی بوده که حوادث طبیعی و غیرطبیعی به وجود آورده است. گرچه

برخی کشورها دانش و هنر مدیریت مقابله با برخی از این گونه بلایا را فراهم آورده‌اند، اما به لحاظ گستردگی و پیچیدگی بلایا، اثری در بهبود امنیت شهری نسبت به گذشته نداشته است. در ناامنی‌های غیرطبیعی نیز با استفاده از سیستم‌های نظارتی قوی مانند دوربین‌ها، پلیس، معماری دفاعی ساختمان و محلات در راستای امنیت شهری و رسیدن به امنیت برنامه‌ریزی می‌گردد، اما نباید فراموش کرد که گویا همه این اقدامات امنیتی ترس بیشتر و یا افزایش بدگمانی و بی‌اعتمادی در میان مردم ایجاد نموده است. با همه این برنامه‌ریزی‌ها باز هم جنایتکارانی سازمان‌یافته و یا پراکنده وجود دارند که به همه این سیستم‌ها و روش‌ها غلبه می‌کنند.

صرف نظر از گزارشات فراوان ناامنی که توسط رسانه‌های جمعی منتشر می‌گردد، اگر عامل ترس را با درهای قفل شده خانه‌ها و اتومبیل‌ها و دزدگیرهای آن‌ها، سیستم‌های حفاظتی، وجود سلاح‌های سرد و گرم در اتومبیل و ساختمان‌ها و ویژگی‌های مجتمع‌های ساخته شده در بحث حفاظت و نظارت‌های رو به رشد مکان‌های عمومی اندازه‌گیری کرد، عامل ناامنی و ترس قطعاً در دهه‌های اخیر افزایش یافته است. این موضوع بیانگر این است که با پیشرفت‌های انسان در بخش‌های مختلف که توان مدیریتی را بسیار بالا برده و برخی از نیروهای مختلف جهان طبیعت را برای انسان شناسایی نموده، ولی در برابر بسیاری از حوادث شناخته شده و ناشناخته‌ای که در آینده به وقوع خواهد پیوست، به همان اندازه ضعیف و ناتوان و بی‌دفاع است که انسان‌های گذشته بودند. این ناتوانی، نشانه نهایت ضعف و ناتوانی انسان در عین ادعای قدرتمندی و توانایی او است. فناوری و پیشرفت‌های حاصل شده ضمن تحول مثبت در زندگی انسان‌ها، به‌نوعی، ناامنی‌های گسترده در ابعاد مختلفی ایجاد کرده است. خطرات

عظیم زیست محیطی، خطرات احتمالی ساکنین مجاور مراکز اتمی، فرودگاه‌ها، راه‌آهن، تونل‌ها، مراکز حمل‌ونقل عمومی (مترو)، تولید گسترده سلاح‌های کشتار جمعی، آلودگی‌های گسترده محیطی، نظارت بر تمام ابعاد خصوصی و عمومی خانواده‌ها و جوامعشان از نامی‌های ایجادشده به سبب پیشرفت‌های فناوری است. زلزله، سونامی، زمین لغزش، آتش سوزی، آتشفشان، سیل، بهمن، صاعقه، طوفان و خشکسالی از بلائی با منشأ طبیعی و نامی‌هایی مانند قتل، فتنه، آشوب، سرقت، ظلم و ستم، حسد، کبر، دروغ، خیانت، سخن‌چینی، رشوه، تهمت، غیبت، بخل، کینه، فحشا، فساد، خستگی مفرط، افسردگی، خشونت و عدم امید به آینده زندگی از مهم‌ترین عوامل نامی با محوریت انسان است. ریشه نامی‌های انسان محور، برآمده از نابرابری‌های اجتماعی و عدم وجود نظم نهادی و اجتماعی است.

بر این اساس، امروزه نوع دیگری از نامی‌های عمدی با گستردگی و شدت بیشتری نسبت به گذشته در شهرها شکل گرفته که می‌توان از آن‌ها با عنوان «نامی کند یا آهسته» نام برد. افزایش حاشیه‌نشینی، افزایش فقر و حاد شدن شکاف میان غنی و فقیر، آسیب‌های خانوادگی مانند (طلاق، کودکان و زنان خیابانی)، منازعات قومی، منطقه‌ای و سیاسی، تمایل به مهاجرت، کاهش احساس خوشبختی، فقدان امید به آینده، نبود اطمینان از ثبات موقعیت اجتماعی، کاهش سطح اعتماد و عواطف مردم نسبت به یکدیگر، افزایش ارادل و اوباش، افراد شرور و باند‌های خلافکار در جامعه، کاهش نقش نهادهای هنجارساز مثل رسانه‌ها، فاصله آرمان‌ها با واقعیت‌های جامعه از نامی‌های آهسته در شهرها محسوب می‌گردد. خطر این گونه نامی‌ها در درازمدت، کمتر از نامی‌های خطرناک مانند قتل و

تجاوز نیست.

آمارهای رسمی در کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست و نشان دهنده آمار بالای جرائم و گویای رشد بالای نامی‌های انسان محور است. این آمار در سال‌های قبل از ۱۳۸۶ به بالای پنج میلیون پرونده هم رسیده است. بر اساس آمار در طی ده سال گذشته ۳۰۰۰ نفر- به‌ازاء هر سه نفر جمعیت- یک پرونده دادگاهی تشکیل شده است. به استناد آمارهای مرکز آمار ایران سالانه بین ۵۰۰۰ فوتی بر اثر قتل عمد، ۱۴۰۰۰۰ ضرب و جرح عمدی، ۱۰۵۰۰۰ طلاق، ۱۹۰۰۰۰ سرقت در طول یک سال نشان از عمق نامی اجتماعی نسبت به نامی‌های طبیعی دارد (صارمی، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

تبیین جامعه شناختی زمینه‌های نامی در فضاهای شهری

امنیت و ایمنی در گام اول به سلامت جسمانی انسان و جلوگیری از تهدیدهایی اطلاق می‌شود که می‌تواند سلامت فیزیکی انسان را به خطر اندازد و در واقع مسائل ملموس و امنیت بیرونی را شامل می‌شود، در حالی که امنیت بیشتر جنبه‌ی ذهنی و روانی دارد. از جمله مواردی که به ایمنی شهروندان آسیب می‌رساند و در صورت بی‌توجهی می‌تواند چنان تهدیدی علیه امنیت شهری شمرده شود، جرائم و تخلفات شهروندان است.

جرائم شهری تعریف خاص خود را دارند و معمولاً شامل جرائمی می‌شوند که در فضاهای عمومی شهری، یا جاهایی که احتمال سرایت جرم از فضاهای عمومی به فضاهای خصوصی وجود دارد، صورت می‌پذیرند. ویژگی دیگر جرائم شهری این است که افراد غریبه نسبت به هم به این کار مبادرت می‌ورزند. وقتی افراد نسبت به هم شناخت پیدا کرده باشند، دیگر نمی‌توانند در فضاهای عمومی به ارتکاب جرم بپردازند و این کار

ایجاد جرم نمی‌شوند، بلکه در خیلی از موارد می‌تواند عاملی برای ایجاد تفاهم و عطف و همگرایی باشد. شهرنشینی نیز مستقیماً به کجروی نمی‌انجامد، بلکه این زندگی شهری است که می‌تواند زمین ساز کجروی باشد. شهرها در عین حال که بهترین خدمات اجتماعی موجود در کشورها را در خود جای داده‌اند، در همان حال بسیاری از معایب اجتماعی را در بطن خود می‌پروراند که قتل و جنایت و ناآرامی‌های اجتماعی از آن جمله است (غفاری، ۱۳۹۰: ۴۷). وجود شرایط مختلف در شهرها از قبیل جمعیت و تراکم زیاد، وجود مهاجرانی با فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف، تعداد زیاد مردان جوان و مجرد، اختلاف طبقاتی و... از جمله عوامل زمینه‌ساز جرائم شهری محسوب می‌شوند. شهرهای بزرگ باعث جذب مهاجران زیادی می‌شوند. با این حال، مهاجرت به تنهایی علت تام انحراف و بزهکاری نیست ولی اگر این مهاجرت با شرایط و زمینه‌های مساعد دیگری که در محیط اولیه کمتر فراهم است توأم و همراه گردد، راه بزهکاری مهاجران هموار خواهد شد. مهاجرت باعث گسستن پیوندهای اجتماعی می‌شود و این امر، نادیده گرفتن الزامات اجتماعی را در پی دارد و بنابراین مهاجران می‌توانند دست به اعمالی بزنند که قبلاً از نظر آنان رفتار ضداجتماعی تلقی می‌شد. دشواری زندگی جمعیت مهاجر، اغلب جوان، بدون تخصص، بدون شغل و ناامید از آینده می‌تواند وجود خویش را از طریق اعمال خشونت بار به نمایش بگذارد (باستیه، ۱۳۷۷: ۱۳). وجود رقابت در شهرها باعث می‌شود تا افراد برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود از هر طریقی اقدام کنند و چون درآمد مشروع کافی برای تأمین زندگی پیدا نمی‌کنند، به کجروی راه می‌یابند. عدم تأمین اقتصادی و اجتماعی - از قبیل نداشتن مسکن و تغذیه درست و امکانات درمانی - به ضعف روابط انسانی

را فقط در فضاهای خصوصی انجام می‌دهند. به همین دلیل وجه کالبدی شهر برای کاهش و تخفیف جرائم شهری اهمیت خاصی دارد. شهرداری‌ها با دخالت در این وجه می‌توانند ضریب امنیت شهری را بالا ببرند و از جرائم شهری بکاهند.

بخشی از احساس عدم امنیت شهری بر اثر وجود فضاها و محیط‌های جرم‌زا مانند مکان‌های خلوت و تاریک در شهر است. برای بر طرف کردن این معضل دستگاه‌های مختلفی وجود دارند که باید به‌صورت اندام‌وار در کنار هم قرار بگیرند تا این معضلات برطرف شود. به‌عنوان نمونه علاوه بر دستگاه‌های مدیریت شهری، نیروی انتظامی هم باید عزمی جدی در زمینه ایجاد امنیت پیاده در مقابل سواره انجام دهد، کنترل رفتار شهروندان در این زمینه - از طریق ایجاد نرده، خط‌کشی، نصب چراغ راهنما و ... در خیابان‌ها - است که متأسفانه به‌گونه‌ای جدی به آن نگرسته نمی‌شود. در نتیجه همین امر، درصد تصادفات افزایش می‌یابد و از میزان امنیت پیاده‌ها در شهرها کاسته می‌شود. در مورد شهرداری‌ها نیز بحث به همین گونه است؛ شهرداری‌ها باید اقدامات لازم را برای تأمین امنیت شهروندان در مقابل عملیات عمرانی که شهرداری در شهر انجام می‌دهد، به عمل آورند. مثلاً هر ساله کیلومترها حفاری در شهرها انجام می‌گیرد و چاله‌های مختلفی در شهر کنده می‌شود که موجب سلب امنیت شهروندان می‌گردد.

هر چند کالبد شهر در ایجاد جرائم شهری به‌طور قطع نقش مهمی دارد ولی باید با دیدگاه انسانی هم به علل شکل‌گیری وقوع جرم و جنایت در این بافت‌ها پرداخت. در روستاها نیز بافت‌های کالبدی فرسوده که در شهرها به‌عنوان مکان‌های جرم‌زا مطرح هستند به چشم می‌خورد ولی در روستا این بافت‌ها نه تنها باعث

منجر می‌شود و ضعف روابط انسانی هم به نوبه خود به تجاوز و بی‌توجهی نسبت به دیگر افراد جامعه منتهی می‌گردد (مافی، ۱۳۷۸: ۱۳۳). بر اساس نظریه‌های کلاسیک از خود بیگانگی، تنهایی، سازمان شکستی و فشارهای روانی که جامعه شهری بر شهروندان خود تحمیل می‌کند باعث افزایش افسردگی، خودکشی، اعتیاد، پرخاشگری، انحرافات اخلاقی، انواع جرم و جنایت، بالا رفتن میزان ناسازگاری‌های خانوادگی و... در جامعه شهری می‌شود (شکویی، ۱۳۷۳: ۵۰۱). سبک زندگی شهری نیز شرایطی را فراهم می‌آورد تا خانه‌ها مدتی بدون سکنه بمانند و همین فرصت باعث می‌شود تا میزان سرقت و دزدی در شهرها افزایش یابد. برگس عقیده دارد که تحرک زندگی شهری همراه با افزایشی که در تعداد و شدت محرک‌ها ایجاد می‌کند، مردم را به طرزی اجتناب‌ناپذیر دچار اغتشاش و تنزل اخلاقی می‌کند (دوله، ۲۰۱۵: ۱۱۸). محله‌های شلوغ و پرجمعیت که در نتیجه ایجاد خانه‌های محقر و کوچک و به دور از چشمان مأموران شهرداری ایجاد می‌گردند، کانون بحران‌ها و معضلات اجتماعی هستند. فقر مادی و فرهنگی، ازدحام و شلوغی و بیکاری، قاچاق موادمخدر و اعتیاد از جمله عواملی هستند که زمینه را برای بزهکاری جوانان و نوجوانان فراهم می‌سازند. تحقیقات صورت گرفته در خصوص تأثیر مسکن، محله و شهر در ناسازگاری جوانان این نکته را اثبات کرده است که بزهکاری جوانان و ناسازگاری آنان به‌طور کلی تابعی محلی است و آن را معمولاً در محله‌هایی که از خانه‌های محقر و ناسالم تشکیل شده‌اند، می‌توان مشاهده کرد (کامیار، ۱۳۷۹: ۳۹). یکی از مکان‌های اصلی جرم نیز که مسائل امنیتی در شهرها دارند، محله‌های قدیمی و فرسوده‌اند که به دلیل همین فرسودگی و نیز فقدان بهداشت،

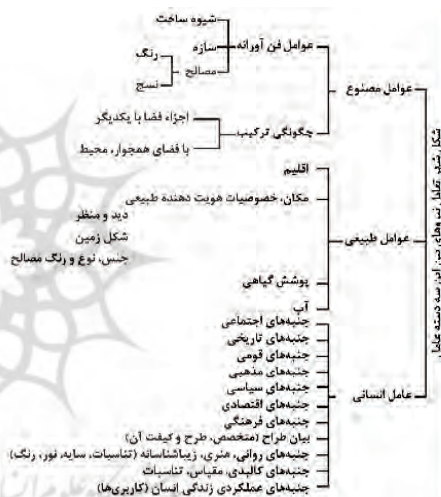
اسکان مهاجران، تراکم و دیگر عوامل از این دست، به محله‌های جرم‌خیز تبدیل شده‌اند. در دیگر کشورها از طریق فرایند اصالت بخشی و برگرداندن هویت قبلی این بافت‌ها به آن‌ها، در امر احیا و بازسازی این محله‌ها تلاش می‌شود. بر خلاف ایده‌ای که معتقد است برای برطرف کردن مشکل این بافت‌ها باید آن‌ها را تخریب کرد، با سرمایه‌گذاری عمومی در این بافت‌های مسئله‌دار شهری می‌توان از مشکلات آن‌ها کاست و میزان جرم و جنایت را در آن‌ها کاهش داد. با تخریب این بافت‌ها نه تنها مشکل آن‌ها را نمی‌توان حل کرد، بلکه جرم و جنایت نیز در سطح شهر پراکنده می‌گردد. مشکل مسکن نیز در شهرها می‌تواند ناهنجارهایی را به وجود آورد. عدم دسترسی به مسکن مناسب با افزایش میزان بزهکاری، طلاق و از هم گسیختگی اجتماعی ارتباط زیادی دارد و عامل بازدارنده رشد و اعتلای اجتماعی - فرهنگی و روانی محسوب می‌شود. نداشتن مسکن همچنین باعث پیدایش پدیده‌های ناهنجار اجتماعی دیگری از قبیل خیابان‌خوابی، زاغه‌نشینی و معضلات حادثی مانند تکدی‌گری می‌شود (دلایل پورمحمدی، ۱۳۷۹: ۶). وجود تراکم‌های بالای مسکن به‌ویژه در زاغه‌های حواشی شهر، جرائم خاص خود را به همراه دارد. بالا بودن هزینه‌های ساخت مسکن در شهرها و عدم توانایی عده‌ای برای تأمین آن به‌طور جنبی موجب ایجاد هزینه‌های اجتماعی نظیر بیماری، جنایت، ناامنی و... در شهرها می‌شود (دلایل پورمحمدی، ۱۳۷۹: ۱۴۳). ساختمان‌های بلند و پرتراکم با محیطی مصنوعی و بی‌روح نیز ناهنجاری را دامن می‌زنند. شومباردو در این باره چنین می‌نویسد: بناهایی که سر به آسمان کشیده و انبوهی از جمعیت را در ارتفاعات خود جای داده‌اند، برای جوانان به عامل مولد حالت خطرناک بدل شده‌اند (کی‌نیا، ۱۳۷۰:

چگونگی ارتباط اجزاء تشکیل دهنده آن در ایجاد یک کل واحد و در پیوند و ارتباط با محیط اطراف، شکل شهر را به‌عنوان معرف زمان حال و پلی واسط بین گذشته و آینده معرفی می‌کند.

این نظر که فضاها بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارند و می‌توانند برای تنظیم رفتار او به کار گرفته شوند، امری پذیرفتنی است. اصولاً چنین امکانی وجود دارد که از طریق برنامه‌ریزی و طراحی شهری و از راه ترکیب طرح‌ها با نوعی نظام انتظام دهنده، مراتب ارتقای اخلاقی و اجتماعی افراد جامعه را فراهم ساخت؛ بنابراین، همان‌گونه که فضاهای شهری می‌توانند با برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی صحیح محل بروز و نمود فضایل انسانی باشند، از جهت دیگر نیز می‌توانند از طریق رهاشدگی و برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌ریزی‌های نادرست و ساده‌انگارانه به مکان بروز انواع جرائم شهری تبدیل گردند. نظرسنجی‌ای که در ۸ شهر بزرگ کشور اجرا شده است، نشان می‌دهد که ۸۱ درصد شهروندان احساس ناامنی می‌کنند (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۸۹). برخی از عوامل ایجاد ناامنی علل محیطی دارند. از جمله این موارد خالی گذاشتن منزل به مدت چند روز، فرستادن فرزند به‌تنهایی به مدرسه، تردد خانم‌ها به‌تنهایی در شب و قدم زدن در مسیرهای خلوت است. نتایج نظرسنجی مذکور نشان می‌دهد که به‌رغم بی‌توجهی به فضاهای شهری نزد متخصصان رشته‌های مرتبط و مدیران اجرایی شهرها، نقش این فضاها و تأثیر آن‌ها در وقوع جرائم شهری حداقل در شهرهای بزرگ کشور، یک واقعیت عینی و اثبات شده است.

دانش طراحی شهری خود را ملزم به برقراری کیفیت کلیدی در فضاهای شهری می‌داند. همان‌گونه که در مسئله بهداشت و درمان اجتماعات انسانی موضوع پیشگیری از بیماری‌ها مقدم بر درمان آن‌ها می‌باشد

۲۳۰). عدم همخوانی بین معماری و شهرسازی جدید با فرهنگ سنتی ایران زمین که متراکم‌سازی و انبوه شدن ساختمان‌ها را در پی داشته، سبب گردیده تا حرمت خانواده در اثر مشرف بودن بناها نسبت به یکدیگر رنگ بازد و در نتیجه ضریب جرائم اخلاقی در اثر این عامل رو به فزونی نهد. شکل شهر تبلور فضایی و شکلی حیات مدنی - اجتماعی شهر و فعالیت‌های جوامع شهری در مکان و زمان است و حاصل تعامل نیروهای بسیاری که در سه دسته‌ی عوامل مصنوع، عوامل طبیعی و عوامل انسانی تقسیم‌بندی می‌شود.



شکل شماره (۱): سه عامل تعامل نیروهای ایجاد کننده شکل شهر

کوچک‌ترین اجزای این ترکیب در چهارچوب عناصر ساخته دست آدمی ساختمان‌ها، احجام، فضاهای شهری، فضاهای باز، شبکه راه‌ها، میادین و تأسیسات شهری است که محیط طبیعی با عناصر عمده‌ای چون بستر طبیعی، زمین و ناهمواری‌های آن، جریان‌های آب و پوشش گیاهی در چگونگی ترکیب عناصر در شکل شهر نقش و تأثیر قاطع دارند و نهایتاً روابط و

و این مطلب به‌عنوان یک اصل ریشه‌ای پذیرفته شده است، در خصوص جرائم‌شهری نیز بدین‌گونه است یعنی جلوگیری و پیشگیری کردن از وقوع جرائم مقدم بر تمامی اقداماتی است که دولت و دستگاه‌های قضایی و انتظامی یک کشور طی سلسله اقداماتی پرهزینه انجام می‌دهند تا فرد مجرم را مجازات و تنبیه کنند. به‌طور کلی دو رویکرد پیشگیری از جرم در میان نظریه‌پردازان رایج است. رویکرد نخست، رویکرد غیرمکانی است که به کاهش و یا از بین بردن انگیزه‌های شخصی ارتکاب جرم از طریق آموزش‌های اخلاقی، بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، وضع قوانین و جریمه اشاره دارد. این رویکرد در برخی منابع، رویکرد اجتماعی نیز نامیده شده است. رویکرد دیگر، رویکرد مکانی (موضعی) است که هدف اصلی آن سخت‌تر کردن امکان ارتکاب جرم به‌وسیله کاربرد تکنیک‌هایی خاص در مکانی مشخص می‌باشد (سوری، ۱۳۸۸: ۳۵).

نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرائم شهری و افزایش ضریب ایمنی

از آنجا که چینش فضاهای شهری امروزی بالقوه فراهم‌کننده زمینه برای وقوع نابهنجاری‌های رفتاری و در نتیجه کاهش امنیت در شهر می‌باشد، بنابراین بررسی جنبه‌های کیفی و کمی امنیت چه از لحاظ کالبدی و چه از لحاظ اجتماعی در فضاهای شهری، امری ضروری است. کیفیت‌های طراحی شهری به‌تنهایی ظاهر و ایجاد نمی‌شوند، بلکه این کیفیت‌ها هم‌زمان و مکمل هم بوده، روابط پیچیده‌ای باهم دارند و ایجاد احساس امنیت در فضا نیازمند ارتقای سایر کیفیت‌های طراحی شهری مانند احساس تعلق است که حضور شهروندان را در فضا تشویق نماید. از سوی دیگر باید در نظر داشت که اتخاذ روش و تکنیک

مناسب برای پیشگیری از جرم به درک عمیق زمینه محلی نیاز دارد. در مکانی خلوت و به‌اصطلاح سوت و کور ممکن است ایجاد سرزندگی برای جلب افراد، نظارت طبیعی آن‌ها و کاهش امکان وقوع جرم مفید به نظر رسد، ولی این سرزندگی اگر از حد خاصی تجاوز نماید، موجب آشفتگی محیط شده و با افزایش امکان ارتکاب جرم، امنیت را کاهش می‌دهد.

امروزه معماران به این موضوع پی برده‌اند که فضای فیزیکی دقیقاً همانند حقوق می‌تواند موجب تقویت هنجارها شود. مطالعات معماری نشان می‌دهد که نه تنها قواعد حقوقی ابزار بیان اصول و ارزش‌های جامعه می‌باشند، بلکه محیط فیزیکی نیز ممکن است بیانی از اهداف و اصول جامعه باشد. محیط فیزیکی می‌تواند بدون واسطه با هر کسی که آن را مشاهده کند «با زبان بسته» سخن گوید. در حوزه روانشناسی محیطی نیز در مورد اینکه چگونه طراحی محیطی می‌تواند تمایلات انسان را شکل دهد، بحث‌های زیادی صورت گرفته است. در این حوزه ویژگی‌هایی که به‌صورت آگاهانه یا ناخودآگاه تأثیر گذار هستند، مورد توجه قرار می‌گیرد. البته در مورد پذیرش این یافته‌ها باید محتاط بود، زیرا معماری تنها یکی از چند عاملی است که بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارد.

علاوه بر تعامل اجتماعی تأثیرگذار، معماری بر رفتار و دیدگاه‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. برای مثال احساس شلوغ بودن باعث پرخاشگری در فرد می‌شود. «معماران می‌توانند احساس شلوغی را با اضافه کردن پنجره‌ها برای نور طبیعی بیشتر، استفاده از اتاق‌های چهار گوش (که احساس می‌شود بزرگ‌تر از اتاق‌های دایره‌ای هستند) و استفاده از رنگ‌های روشن برای رنگ آمیزی، کاهش دهند» (امینی، ۱۳۹۴: ۳۴). زمانی که افراد فضای بیشتری احساس کنند، کمتر پرخاشگری

می‌کنند. امروزه ثابت شده است که استفاده بهینه از عواملی مانند طبیعت، فضای سبز و رنگ مناسب، رفتار پرخاشگرانه را کاهش می‌دهد.

در شش دهه‌ای که از عمر روانشناسی محیط می‌گذرد، پژوهشگران به نتایج زیادی درباره طراحی محیط و تأثیر آن بر رفتار انسان دست پیدا کرده‌اند. انسان محصول محیط، بیولوژی و تعامل این دو باهم است. عوامل فیزیکی گوناگون از قبیل سر و صدا، آب‌وهوا و فضاهای محصور شده، به‌طور مداوم بر انسان تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین می‌توان محیط را یکی از عواملی دانست که نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتار انسان دارد. نظریات مرتبط با طراحی محیط و نقش آن در پیشگیری از جرم و تقویت احساس امنیت، در طول تاریخ با تحولات فراوانی روبرو شد. در واقع با گذر زمان نقش تعیین‌کننده طراحی محیط در افزایش ضریب ایمنی فضای شهری، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. نظریه‌هایی از قبیل نظریه بهبود منظره، نظریه کوچک‌سازی محله‌ها را می‌توان حاصل این توجه دانست (عامری سیاهویی، ۱۳۸۷: ۴۸).

نظریه بهبود منظره

یکی از مهم‌ترین موضوعات، چگونگی ارتباط آن با جامعه آزاد است. این موضوع در فرهنگ بسیاری از کشورهای غربی به‌خصوص کشورهای اسکاندیناوی حائز اهمیت است. تفاوت عمده‌ای بین امنیت تجربی و خیالی از یک سو و امنیت حقیقی و واقعی از سوی دیگر وجود دارد. تصویر جراثمی که از طریق رسانه‌ها گزارش می‌شود در اغلب موارد گویای تصویری بسیار متفاوت با جنایات واقعی است. با این ذهنیت که احساس امنیت یا عدم امنیت تا حدودی با سن و جنس افراد در ارتباط است، این سؤال را می‌توان مطرح کرد که چه سطحی از خطر برای شروع کار

مورد قبول و مجاز است؟ گراندلند این موضوع را مفهوم اصلی "طراحی بدون جرم" از طریق محیط و ساخت شهری معاصر دانست (رحمت، ۱۳۹۰: ۲۰۲).

نتایج تحقیقات گراندلند نشان داد که:

- تفاوت‌های اجتماعی بر روش طراحی بدون جرم محیط تأثیر می‌گذارند.

- احساس امنیت با ترس واقعی یا اکتسابی ناشی از جرم رابطه دارد.

- به دلیل عدم وجود افراد ماهر و ساختارهای مناسب، دولت‌های محلی و مرکزی عموماً علاقه‌ای به این موضوع ندارند.

- شرکت‌های بیمه اغلب به موضوعات فنی بیمه علاقه‌مند هستند نه به کاهش اصولی جرم.

- مشکلات اجرایی از قبیل مقاومت معماران (ایدئولوژیکی و اقتصادی) و مقاومت سازندگان (اقتصادی و نداشتن علم و تجربه) در رابطه با این بحث وجود دارد.

گراندلند با بررسی پروژه‌های مختلف پیشنهاد می‌کند که طراحی به شکل‌های سنتی توسعه یابد و نشان داد که فضاهای خارجی می‌بایست به‌خوبی سازمان یافته و منظره بهتری نسبت به در ورودی داشته باشند تا بهتر بتوانند از وقوع جرم و تخریب جلوگیری کنند.

نظریه کوچک‌سازی محله‌ها

این نظریه در سال ۱۹۷۲ توسط گری کلوند مطرح گردید. وی به بررسی طرح ساخت محیط به‌عنوان اولین قدم ایجاد جوامع پایدار و سالم پرداخت. گری کلوند در مقاله خود تحت عنوان «دومین نسل: پادزهری برای ویروس‌های اجتماعی طراحی شهری» اقدام به بررسی استانداردهای طراحی محیط فیزیکی و ارتباط آن با زندگی افراد کرده است (رحمت، ۱۳۹۰: ۲۰۴). این استانداردها عبارت‌اند از:

الف. اندازه منطقه، تراکم و تفاوت خانه‌های مسکونی و تعداد سکنه.

ب. اهمیت وجود مکان‌های ملاقات شهروندی که بدون آن‌ها اماکن شهری خالی و خطرناک خواهد بود.

ج. فراهم آوردن تسهیلات به‌خصوص کلپ‌هایی برای جوانان.

د. حضور و مشارکت ساکنین شهر.

ه. مسئولیت‌پذیری ساکنین شهر.

استانداردهای وی نشان داد که به شکل تازه‌ای از پیشرفت اکولوژی از طریق اصول طراحی سنتی در تأمین امنیت معتقد است. علاوه بر این نظر خود را به مسائل دیگر از قبیل مسئولیت ساکنین، حضور آن‌ها و تسهیلات نیز معطوف ساخته است. او برای رسیدن به این استانداردها پیشنهاد می‌کند که محله‌ها را باید کوچک‌تر ساخت. از این طریق می‌توان ارتباطات محلی، اجتماعی و اقتصادی را توسعه داد. ساخت محله‌های کوچک‌تر موجب بهبود روابط اجتماعی می‌گردد. بنابراین به نظر وی برنامه‌ریزان باید بدون هر نوع تعصبی مهارت‌های ساخت محله کوچک‌تر را پرورش دهند. راه‌حل نهایی از نظر گری کلوند این است که راه‌حل‌های اجتماعی و فیزیکی به‌درستی به‌صورت راه‌حل‌های اکولوژیکی در بیایند.

پیشنهادات کاربردی برای سیاست‌گذاری معطوف به افزایش امنیت در فضاهای شهری

کنترل دسترسی: با استفاده از این راهکار می‌توان میزان دسترسی به مناطق در شهر که امکان وقوع جرم دارند را برای مجرمان احتمالی کاهش داد. برای فراهم‌سازی دسترسی مناسب و کاهش دادن دسترسی مجرمان به مناطق جرم‌خیز یا مناطقی که پتانسیل طبیعی وقوع جرم را در خود نهان دارند، می‌توان از نظارت‌های شهروندان و عابران پیاده یا ساکنان از

معاور و مسیرهای دسترسی بهره‌گرفت که با تعریف شفاف ورودی و خروجی ساختمان‌های مسکونی در سایت‌های شهری و نوع و چگونگی نورپردازی و نظارت طبیعی بر نحوه دسترسی به سایت ممکن می‌شود. از این اصل برای کاهش پتانسیل دسترسی به مناطق برای جرم‌خیزی و ارتکاب جرم استفاده می‌شود.

تقویت قلمروهای طبیعی: قلمرو مفهومی را به ذهن متبادر می‌کند که فضاهای خصوصی را از فضاهای عمومی جدا می‌کند به‌طوری که از طریق انگیزش احساس مالکیت و تملک‌پذیری شهروندان نسبت به محلات و مناطق مسکونی است که حضور بیگانگان و مزاحمان برای ساکنان، اهمیت پیدا می‌کند.

تعمیر و نگهداری: با تعمیر و نگهداری مناسب از میلان شهری و تابلوها و علائم شهری و چراغ‌های روشنایی و محوطه‌سازی می‌توان علاوه بر بهینه‌سازی هزینه‌های شهری، از بالا رفتن ظرفیت مناطق در جرم‌خیزی کاست.

نظارت طبیعی: به معنای توانمندسازی محیط‌شهری از طریق در معرض دید قرار گرفتن و آسانی نظارت است که امکان نظارت بر مناطق شهری را به‌وسیله شهروندان یا ارگان‌های انتظامی فراهم می‌کند. بر این اساس این امکان فراهم می‌شود که مناطق شهری در معرض دید عمومی قرار گیرند و از ایجاد مناطق غیرقابل نظارت و به‌اصطلاح مناطق کور جلوگیری شود. این امر در طراحی فضای سبز مناطق شهری بایستی مورد توجه باشد تا از ایجاد مناطق کور با حائل‌های فضای سبز نظیر بوته‌ها و درختچه‌ها و درختان که امکان نظارت مستقیم را دشوار می‌کند، جلوگیری نمود.

حمایت از فعالیت‌های اجتماعی: منظور این است که امکان انجام برخی فعالیت‌های اجتماعی در مناطق شهر

فراهم شود تا علاوه بر اشتغال‌زایی و ایجاد تسهیلات رفاهی، بتوان میزان نظارت انسانی را بر مناطق افزایش داد. بسیاری از جرائم شهری در مناطقی روی می‌دهند که نظارت عمومی کم است و یا انسان، حضور فیزیکی ندارد.

وکرل و وایزمن رویکرد شهرهای امن را با تأکید بر مدیریت و پیشگیری جرائم پیشنهاد کردند (دوله، ۲۰۰۳: ۱۵). این رویکرد بر همکاری بین دولت‌ها و شهروندان به‌ویژه با تأکید بر گروه‌های منزوی و در حاشیه قرار گرفته، پیشگیری اجتماعی و تغییرات فیزیکی مؤثر بر امنیت شهری توجه می‌نماید. وکرل و وایزمن برای افزایش ایمنی و امنیت در فضای شهری سه عامل را مؤثر قلمداد می‌کنند: ۱- آگاهی از محیط، ۲- قابلیت مشاهده توسط دیگران، ۳- دسترسی آسان به کمک در صورت نیاز.

ترکیب واحدهای سکونتی در اشکال مختلف یعنی از واحدهای مستقل با حیاط تا واحدهای آپارتمانی و چند خانواری و مجتمع‌های مسکونی که به کمک فضاهای بیرونی در اشکال کوچک، میدان یا میدانچه یا ترکیبی از آن به هم پیوند می‌یابند و به یک پهنه سکونتی شکل می‌دهند. آنچه مهم است شناخت و شناخته شدن فرد در فضاهای بیرونی است که نوعی نظارت محلی بر اشخاص و رفتار در فضا را امکان‌پذیر می‌سازد. نظارت همسایه‌ها، کسبه محل، آمدوشد به مسجد و فضای بازی به کوچه‌ها یا خیابان‌های عبوری به‌ویژه اتومبیل و فراهم آوردن امکان حضور ایمن، آسوده و مفرح ساکنین و خانواده‌ها در فضاهای بیرونی، اعم از زنان، کودکان و مردان. موضوع مهم امکان نظارت محلی بر فضاهای شهری به کمک تقویت سکونت محلی نظام مدیریتی مربوط به آن است. هرچه ارتباطات اجتماعی بین افراد یک اجتماع یا محله وسیع‌تر باشد و آنان

بتوانند برای خود شبکه‌ای از روابط بسازند از این طریق احساس تعلق خاطر به اجتماع شکل خواهد گرفت و این چنین احساسی باعث کاهش ترس از جرائم در بین آنان خواهد شد. روی هم رفته باید این نکته مهم را در نظر داشت که آرامش فضای شهری، به‌وسیله شبکه ناخودآگاه و پیچیده اجتماعی و استانداردهای موجود میان مردم حفظ می‌شود.

نتیجه‌گیری

واژه امنیت واژه‌ای اعتباری است، یعنی امری واقعی و ملموس در مفهوم فلسفی آن نیست و قواعد آن هم از جهات مختلف متنوع است. احساس امنیت چه‌بسا در گروه‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف تفاوت داشته باشد و به همین خاطر، استانداردهای آن ممکن نیست. امنیت در شهرها، معلول شرایط اجتماعی-اقتصادی آن‌هاست، چه آن که در شهرها تنوع قومی، فرهنگی و اقتصادی زیاد است و نمی‌توان تمام مشکلات امنیتی را به خود شهر و کالبد فیزیکی آن نسبت داد. پس اگر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شهری مناسب باشد به تبع، ضریب امنیتی آن نیز بالا خواهد رفت. به همین دلیل نمی‌توان استاندارد ثابتی در زمینه امنیت شهری داشت؛ چون با تحولات زندگی شهرنشینی احساس امنیت تفاوت می‌یابد و مستلزم شرایط جدیدی می‌شود و در نتیجه برای بالا بردن احساس روانی امنیت باید به تناسب تغییرات استانداردهای زندگی شهری، استانداردهای ایمن سازی دگرگون شود.

امنیت در بعد عینی به مباحث کالبدی و فیزیکی اشاره داشته و امنیت تردد سواره و پیاده را مورد بحث قرار می‌دهد. این در حالی است که همین مفهوم در بعد ذهنی خود، به ابعاد روانی و غیرمادی احساس امنیت پرداخته و ترس از جرم و هراس از حضور در

فضا را مطرح می‌سازد. بدین ترتیب در صورت نبود امنیت و مستولی شدن حس ترس بر مردم، روح امید و افتخار از بافت جامعه رخت بر بسته و مکان‌های عمومی شهر صرفاً به بستری برای کنش‌های اجباری مردم و نه تعاملات چهره به چهره اختیاری و برهم کنش‌های خلاق مبدل خواهد شد. آن‌چه امروز باعث تشدید ناامنی در محیط‌های شهری می‌گردد و ضریب آسیب‌پذیری را افزایش می‌دهد بیشتر از آن که ماهیت فیزیکی داشته باشد، جنبه روانی و ذهنی دارد. از احساس اضطراب و ناامنی در فضاهای عمومی از ایستگاه‌های مترو، مجتمع‌های تجاری و مسکونی گرفته تا پل‌های عابرپیاده و زیرگذر و حتی کوچه‌های فرعی واقع در بافت‌های مسکونی در میان افشار ضعیف مثل زنان، آسیب‌پذیری زیست‌شهری را به تصویر می‌کشد که نادیده انگاشتن ظرافت‌های طراحی و برنامه‌ریزی در چنین فضاهایی، به شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع و در نهایت ناامنی منتج می‌شود.

بر این اساس به‌منظور ایمن‌سازی محیط‌شهری در برابر آسیب‌های متوجه شهروندان، چنانچه سمت و سوی سیاست‌گذاری‌ها معطوف به پیشگیری نباشد، امنیت ایجاد شده بیشتر از آن که فعال و پایدار باشد، حالت منفعل خواهد داشت. امنیت در سطح منفعل، زمانی است که آسیب و ناامنی در جامعه ایجاد شده و سیاست‌های مقابله‌ای اتخاذ گردد، حال آن که در سطح فعال، امنیت به‌صورت پیشگیری تأمین خواهد شد؛ در سطح فرافعال، امنیت در جامعه وجود دارد.

بی‌توجهی و نادیده انگاشتن تعارضات هویتی در سیاست‌گذاری‌های امنیت شهری، از جمله مواردی است که سطح قاعده امنیت منفعل را گسترده‌تر می‌سازد. باید این بینش بر فضای سیاست‌گذاری امنیت شهری حاکم باشد که فقر موجود در جامعه

دلیل جرم نیست، بلکه تبعیض بین افراد است که ناهنجاری‌های رفتاری را باعث می‌شود. تبعیض، سبب احساس حرمان و بی‌هویتی در اشخاص می‌گردد و در بروز تعارض شخصیتی با دیگری و یا دیگران، احتمال پرخاشگری نسبت به وضع موجود افزایش می‌یابد. به‌طور قطع آنگاه که نظم کالبدی به هم می‌ریزد، احساس بی‌هویتی نیز تشدید می‌شود. این وضعیت در محله‌های تازه تأسیس شهری کاملاً محسوس و اتفاقاً میزان ناامنی هم در این محله‌ها بسیار بالاست. از طرف دیگر، توجه به بافت‌های سنتی نیز در کاهش میزان جرائم شهری مؤثر است. بی‌توجهی و کاهش رغبت به سکونت در محلات قدیمی شهرها، سبب خلوت شدن این اماکن شده و آن‌ها را به محل اقامت مجرمان مبدل ساخته و فضایی کاملاً خشن و مردانه را شکل داده است. باید برای مقابله با این ویژگی‌های منفی تدابیری اتخاذ گردد تا زمینه ارتکاب جرم و جنایت نیز در آن‌ها کاهش یابد و ضریب ایمنی و امنیت در شهر افزایش پیدا کند.

منابع

- امینی، محمدتقی و پیرعلی، علیرضا و سیادت سعیده. (۱۳۹۴). «راهبردهای بهبود احساس امنیت اجتماعی». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری. ۵ (۱۵).
- باستیه، ژان و برناردز. (۱۳۷۷). شهر. ترجمه دکتر علی اشرفی. تهران: دانشگاه هنر.
- بمانیان، محمدرضا، هادی محمودی نژاد. (۱۳۸۷). امنیت و شهر از نگاه ولایت. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها.
- دلال پور محمدی، محمد رضا. (۱۳۷۹). برنامه ریزی مسکن. تهران: انتشارات سمت.
- دیکنز، پیتر. (۱۳۷۷). جامعه شناسی شهری. ترجمه دکتر حسین بهروان. مشهد: آستان قدس رضوی.
- رحمت، محمد رضا. (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی: راهکارهای نوین پیشگیری از جرم. تهران: نشر میزان
- سوری، الهام. (۱۳۸۸). مروری بر مناقشات نظری پیرامون

- امنیت و روش‌های پیشگیری از جرم. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر. ۲۰ (۲).
- شکویی، حسین. (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری (جلد اول). تهران: انتشارات سمت.
- صارمی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). تحلیل نقش مسائل اجتماعی در نا امنی شهرها از دیدگاه اسلام. نشریه هویت شهر. سال چهارم، ۶.
- طاهر خانی، حبیب الله. (۱۳۸۱). ایجاد فضاهای قابل دفاع شهری. مجله مدیریت شهری، ۹.
- عامری سیاهویی، حمیدرضا. (۱۳۸۷). نقش معماری در پیشگیری از وقوع جرم. چاپ اول. تهران: انتشارات مجد.
- غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی. چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- قاسمی، راضیه و محمدی، اصغر. (۱۳۹۲). «بررسی میزان احساس امنیت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ۴۴-۱۵ ساله شهر کرد». فصل نامه دانش انتظامی چهارمحال و بختیاری. ۱ (۲).
- کامیار، غلامرضا. (۱۳۷۹). حقوق شهرسازی. تهران: انتشارات امجد.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۰). مبانی جرم شناسی (جلد اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلی، علی. (۱۳۹۰). زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری مطالعه موردی پارک آزادی شیراز. نشریه جامعه شناسی تاریخی. ۲.
- مافی، عزت الله. (۱۳۷۸). جغرافیای تطبیقی باتولوژی شهری. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ۵۲ و ۵۳.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ قهرمانی، سهراب؛ یاهک، سجاد. (۱۳۹۰). فضاهای بی دفاع شهری و خشونت مطالعه موردی فضاهای بی دفاع شهر تهران. نشریه جامعه شناسی کاربردی، ۴۴.
- Beeler, J. N (2011). Security Planning for Public Spaces: testing a proposed CPTED rating instrument in Berlin, Germany, A thesis presented to the graduate school of the university of Florida in partial fulfillment of the requirements for the degree of master of arts in urban and regional planning
- Day, K; Stump, C; Carreon, D (2003). Confrontation and loss of control: Masculinity and men's fear in public space, Journal of Environmental Psychology, Vol. 23